

سخن سردبیر

در علم پزشکی تجربه مقدم بر هر چیز دیگری است. پزشکی تنها درک علمی از بدن و عملکردهای آن نیست، بلکه هدف اصلی این علم افزایش سلامتی افراد بشر است. پزشکی و علمی که تنها موجب افزایش دانش ما گردد قطعاً پزشکی نیست، زیرا این علم فقط با تمرکز بر تشخیص و درمان بیماریها نمی تواند سلامت جامعه انسانی را ارتقاء بخشد و این هدف تنها با کسب تجربه از تعریف شواهد بالینی و همه گیر بر پایه بینش ها و برداشت هایی از تئورهای زیست شناسی، شیمی، فیزیک و تئوری تکامل تدریجی محقق خواهد شد.

در اخلاقیات، هم تجربه حرف اول را می زند و هدف غائی آن بهبود کیفیت زندگی افراد بشر است و نه افزایش شناخت نسبت به اخلاقیات. زیرا علمی که تنها دانسته های ما را در مورد اخلاقیات افزایش دهد و کمکی به بهبود زندگی و اخلاق انسانها نکند، اخلاق محسوب نمی شود. این علم تنها با تمرکز بر رفتار یا تصمیم های فردی نمی تواند به ما کمک کند تا از زندگی بهتری برخوردار شویم زیرا این هدف تنها با کسب تجربه از بینش ها و شواهد مرتبط تاریخی، روانشناسی، جامعه شناسی و زیست شناسی به حقیقت می پیوندد.

یکی از اهداف اصلی ما اثبات این ادعاست که اخلاق با پزشکی و با اکثر تحقیقات درباره انسان در هم آمیخته است. بهترین تجربه اخلاقی تجربه ای است که در آن سؤالاتی از تلاش های ما برای دست و پنجه نرم کردن با موارد اخلاقی ملموس و برخورد سازنده با موارد عملی و تئوری های هنجاری مطرح می شوند. این ایده نشأت گرفته از یونان باستان است، اما طرح دوباره و محبوبیت آن توسط جان راولز صورت گرفت و اکنون مورد ستایش بسیاری از فیلسوفان معاصر قرار گرفته است، به گونه ای که تعدادی از آنان این روش را به کار می برند، زیرا روشی بسیار قدیمی است. اکثر این فلاسفه توجه خود را معطوف به زیرمجموعه ای از مسایل اخلاقی به ویژه اخلاق زیست پزشکی می کنند. اگر چه

این روش از یک لحاظ کاملاً ساده و معمولی است ولی اغلب ما به تعامل دائمی بین تئوری و تجربه توجه نداریم. به هر حال برای دستیابی به نتیجه ای روشن در این زمینه نیازمند پاسخ به چند سؤال اساسی هستیم:

چگونه بینش اخلاقی خود را گسترش دهیم و انتخاب های اخلاقی بهتری داشته باشیم؟ چگونه بیاموزیم آنچه را که باید یا موظف به انجام آن هستیم محقق سازیم؟ باید پذیرفت که تأثیر فلسفی دقیق این سؤالات می تواند کمکی در جهت پاسخگویی آنها باشد. ما باید منتقدانه اعمال خود و دلیل انجام آنها را ارزیابی کنیم و با دقت بسیار به تفکر در مورد معماهای اخلاقی که با آنها مواجه می شویم پردازیم.

باید بکوشیم تا برای سؤالات اخلاقی پاسخی مناسب پیدا کنیم یعنی جایی که ما با مشکلی مواجه می شویم و نمی دانیم که چگونه عمل کنیم ممکن است به راه حل های متعددی بیندیشیم. تلاش برای گرفتن تصمیمات ویژه ما را برای طرح تئوری های پربار، جدی و منسجم تحریک خواهد کرد. برای روشن شدن این که چگونه باید طرح تئوری های اخلاقی را آغاز نماییم، به اختصار درباره سه نوع الگوی اخلاقی بحث می کنیم هر چند که برخی از این الگوها صرفاً تعاملات شخصی و برخی نقش ما را به عنوان کارفرما در نظر می گیرد و سایر الگوها هم نشأت گرفته از جایگاه ما در سیستم سیاسی اجتماعی می باشد. بحث اولیه در این خصوص به دلیل مرتبط نبودن با موارد طرح تئوری کاملاً ساده است و به ما کمک می کند که دریابیم چرا نمی توانیم بدون تفکر انتزاعی و تئوری پردازی آنها را حل کنیم سپس با استفاده از ابزارهای تئوریک موجود و جدید مجدداً آنها را بررسی می کنیم. همه اینها مواردی است که از لحاظ علمی حائز اهمیت می باشد. یک تئوری اخلاقی جامع نباید به تنهایی معیار سنجش اخلاقیات را تعیین کند، بلکه باید ارائه کننده روان شناسی اخلاقی خلل ناپذیری برای توضیح این مسأله باشد که چگونه مردم بهتر اخلاقیات را می آموزند و چگونه یاد می گیرند آنچه را که آموخته اند به کارگیرند.

پیروان مکتب پیامدگرا معتقدند که ما از لحاظ اخلاقی باید به روشی عمل کنیم که بهترین نتیجه را به همراه داشته باشد، شناخت دلیل جذاب بودن نظریه آنها چندان هم دشوار نیست، زیرا آنان از همان روش استدلالی که ما در تصمیم گیری های توأم با احتیاط خود عاقلانه یا مرتبط با منافع شخصی استفاده می کنیم، بهره می جویند. بر این اساس هر تئوری مبتنی بر نتیجه گرایی باید این موارد را مشخص کند: ۱- چه عواقب و نتایجی با اخلاقیات در ارتباطند؛ یعنی سنجش اخلاقیات را باید در نظر گرفت. ۲- چقدر باید به این نتایج بها داد. ۳- به هنگام استفاده از آنها در استدلال های اخلاقی چه اندازه باید دقت کرد؟

هنگام مذاکره و پیشبرد بحث در خصوص مسائل اخلاقی در مراقبت بهداشتی، ضروری است که همه طرفهای درگیر، دانش و درک مؤثر مشترکی از معانی اصطلاحات و مفاهیمی که برای مسائل تحت بررسی، اساسی هستند داشته باشند. استدلال واقعی در ورای این اصل است، مادامی که درک مشترکی از واژه ها و مفاهیم اصلی وجود نداشته باشد، ایجاد بینش و درک مسائل مورد بحث و پرداختن به آنها و حل اختلاف ها و تناقض هایی که ممکن است در رابطه با آنها مطرح شده باشند، اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل خواهد بود.

در ایجاد درک مشترکی از مفاهیم و اصطلاحات اصلی مورد استفاده در مذاکرات و مباحثات راجع به مسائل اخلاقی، برای شاغلین حرفه پزشکی مهم است بدانند که برخلاف انتظار، بسیاری از اصطلاحات متداول در بحثهای اخلاقی، خود دارای بار اخلاقی بوده و در نتیجه به نحو متناقضی در خطر تحریف می باشند. ایده کیفیت زندگی مثال خوبی است. مفاهیم اخلاقی نادرست یا ضعیف تعریف شده، می توانند تصور اخلاقی اشخاص را متأثر ساخته و آنها را محدود نمایند.

اخلاق به عنوان اصطلاحی کلی تعریف می شود که به راههای گوناگون چگونگی بهتر زیستن از لحاظ اخلاقی اشاره دارد. اخلاق در مفهوم خاص خود، متضمن فعالیت فکری انتقادی است که به بررسی نظام مند زندگی مربوط است و برای روشن کردن آنچه ما باید انجام دهیم با خواستن از ما برای بررسی و

بازبینی اعمال عادی، قضاوتها و توجیهات ما طراحی می شود. برای مثال، ممکن است پرستار در یک قضاوت اخلاقی عادی به این نتیجه برسد که سقط جنین نادرست است. اما اینکه آیا باید به مخالفت وجدانی وی احترام گذاشته شود یا خیر، مستلزم بررسی انتقادی مبانی است که پرستار بر اساس آن قضاوت نموده و نیز بررسی توجیهاتی که وی در حمایت از موضعی که اتخاذ نموده، مطرح کرده است. ریشه اخلاق را می توان با آثار متنفذ فیلسوفان یونان باستان، سقراط، افلاطون و ارسطو دنبال نمود. آثار این فیلسوفان به ویژه در تثبیت اخلاق به عنوان شاخه ای از پژوهش های فلسفی مؤثر بود، در نتیجه اخلاق به عنوان شیوه پژوهش فلسفی تکامل یافت و از مردم پرسید چرا آنها فعل خاصی را درست یا نادرست می دانند؟ دلایل قضاوت های آنها چیست و اینکه آیا قضاوت های آنها صحیح است یا خیر؟ این دیدگاه اخلاقی، به عنوان دیدگاهی نافذ باقی مانده و جریان قابل توجهی را در جنبش اصلی ادبیات اخلاقی حفظ نموده است.

به هر حال اخلاق در بستر تعامل اندیشمندان حوزه های مختلف دارای این اوصاف و ویژگی های کلی است که:

- عموماً به سلامت انسان و حفظ جامعه ای آرام می اندیشد، به نحوی که همه بتوانند از آن منتفع شده و شکوفا شوند.
- اخلاق یک تکلیف است به چیزی که باید انجام دهیم نه آنچه که عملاً انجام می دهیم.
- اخلاق رویکردی نظام مند است که از عقل به عنوان توجیه اخلاقی برای تعریف آنچه باید یا نباید انجام شود، استفاده می نماید.
- اخلاق، اصولی را مجسم می سازد که قابل تعمیم جهانی است. بنابراین اخلاق به همه افراد و مفاهیم اخلاقی مربوط است و دستورالعمل ها باید به طور یکسان در مورد همه اشخاص اعمال گردد.
- اخلاق مهم ترین و عالی ترین سرمایه بشری است و اهمیت آن از قانون و سیاست بیشتر است.